

یادداشت‌های یک معلم
هانریش نتوهاوس

ترجمه از متن فرانسه:
محسن الهامیان

معلم نو

www.ketab.ir



سرشناسه: نیگائوس، گئریخ گوستاوویچ، ۱۸۸۸ - ۱۹۶۴ م.
Neigauz, Genrikh Gustavovich

عنوان و نام پدیدآور: هنر پیانو: یادداشت‌های یک معلم/ هانریش نتوهاوس؛ به ازما فرانسه سن الهامیان.
وضعیت ویراست: [ویراست ۲].

مشخصات نشر: تهران: نشر پارت، ۱۳۹۸.

مشخصات ظاهری: ۲۶۴ ص.: مصور.

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۵۶۶۴-۶۳-۱

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

یادداشت: عنوان اصلی: The art of piano playing

یادداشت: کتاب حاضر از متن فرانسه با عنوان «L'art du piano» به فارسی ترجمه شده است.

یادداشت: کتاب حاضر نخستین بار با عنوان «آموزش هنر پیانو: (اصول و تکنیک‌های آموزش پیانو)»

توسط موسسه فرهنگی هنری کمال هنر و موسسه فرهنگی هنری خوش‌نهاد بیان در سال ۱۳۸۰ منتشر شده است.

عنوان دیگر: آموزش هنر پیانو: (اصول و تکنیک‌های آموزش پیانو).

عنوان دیگر: یادداشت‌های یک معلم.

موضوع: پیانو -- آموزش

Piano -- Instruction and study: موضوع

موضوع: موسیقی برای پیانو -- پارتیسیون

Piano music -- Scores and parts: موضوع

شناسه افزوده: الهامیان، محسن، ۱۳۲۷ -، مترجم

رده بندی کنگره: MT۲۲۵

رده بندی دیویی: ۷۸۶/۲۰۷

شماره کتابشناسی ملی: ۵۹۸۳۵۹۷

هنرپیانو (یادداشت‌های یک معلم)

نویسنده: هانریش نئوهاوس

مترجم: محسن الهامیان (ویراست جدید)

گرافیک: استودیو مآلی (مدیر هنری: امید نعم‌الحبيب؛ طراح گرافیک: مهدی قاسمی)

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

نوبت چاپ: اول

سال نشر: ۱۳۹۹

چاپ و صحافی: پژمان

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۵۶۶۴-۶۳-۱

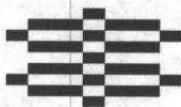
کلیه‌ی حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به انتشارات پارت است.

آدرس: تهران، خیابان انقلاب، ابتدای خیابان فن‌پارس، پلاک ۸۷

تلفن: ۶۶۴۰۵۶۲۷ - ۶۶۴۸۵۰۱۳

partpublication.com

@partpublication



انتشارات پارت

فهرست

۱۳	 به عنوان مقدمه
۲۱	 فصل اول: تصویر زیبایی شناسانه و تاثیرات موسیقی
۴۵	 فصل دوم: ریتم؛ در آغاز ریتم بر (هازان فون بولو)
۷۱	 فصل سوم: صدا
۱۰۱	 فصل چهارم: راه یابی به تکنیک
۱۰۳	 I - موارد کلی
۱۰۸	 II - اطمینان پایه آزادی
۱۱۲	 III - دستگاه حرکتی
۱۱۷	 IV - راحتی
۱۲۹	 V - عناصر تکنیک نواختنی هنرمندانه
۱۵۷	 متمم اول: انگشت گذاری
۱۷۴	 متمم دوم: پدال
۱۸۷	 فصل پنجم: استاد و شاگرد
۲۲۳	 فصل ششم: فعالیت کنسرتی
۲۳۷	 به عنوان خاتمه
۲۶۱	 فهرست اعلام



در ابتدا میل دارم اصول اولیه‌ای را بررسی کرده و برد آن سخن بگویم:

۱. روح هنرجوی مبتدی، کودک، نوجوان و بزرگسال قدامت از آموختن ساز، باید به صورت ذاتی با موسیقی عجین باشد، باید با قلب خود آن را حس کند و موسیقی را با گوش جان بشنود. راز نواختن موسیقی در این است که این هنرمندان قبل از آن که انگشتان را روی کلایه پیانو گذارند یا آرشه را بر سیم ساز بکشند، موسیقی را در مغز خود زنده می‌کنند. مانند موزار که وقتی کودکی بیش نبود بدون آشنایی قبلی به نواختن پیانو و ویولون پرداخت.

۲. مسائل تفسیری موسیقی [اجرا] هدف اصلی این یادداشت‌هاست با قاطعیت می‌توان گفت این تفسیر برخاسته از سه عامل اساسی است: ۱. اثری که اجرا می‌شود، ۲. اجراکننده، ۳. ساز بدون در نظر گرفتن نوع آن. تنها کسی تفسیر هنری [اجرا] را تضمین می‌کند که بر این سه عامل تسلط کامل دارد. نمونه ساده‌ای از تحقق این مورد را در اجرای اثری تنها، برای پیانو، ویولون و ویولونسل می‌توان دید. در پداگوژی عملی اغلب دیده می‌شود که با اغراق در مورد یکی از سه عامل بالا، دو تای دیگر نادیده گرفته می‌شود. متأسفانه اغلب، درک محتوا، یعنی خود موسیقی یا به عبارتی دیگر «فرم زیبایی شناسانه» باعث می‌شود تا رسیدن به تکنیک به طور کامل محقق

نشود. اشتباه دیگری که معمول است، نادیده گرفتن مشکلات و مسائلی است جدا از تکنیک، که غلبه بر آنها تسلط کامل بر ساز یا اگر بتوان گفت بر موسیقی را میسر می‌سازد. در چنین مواردی با پیشرفت در امور موسیقی توانایی، به تکنیک صرف سوق داده شده و محتوا فراموش می‌گردد. چنین اجرای ناقصی فاقد شخصیت حرفه‌ای و مختص آماتورهاست.

۳. در مورد تکنیک باید یادآور شد، هرچه هدف مشخص‌تر شود (محتوای موسیقی و کمال اجرا) شیوه رسیدن به آن نمایان‌تر می‌گردد. این گفته نغز را در طول صحبت‌هایم تکرار خواهم کرد. «هاف» راه را مشخص می‌کند، همان طور که راه، هدف را محدود می‌کند و این خود یک قانون دیالکتیک است.

شیوه کار من ثابت می‌شود تا اجرا کننده هر چه سریع‌تر به تصویر زیبایی شناسانه (بعد از مطالعه همه جنبه‌ها و تحلیل حداقلی از آن) یعنی، محتوا، احساس و عنصر شاعرانه موسیقی آگاهی یابد و بتواند آنچه را که با آن سروکار دارد، در حد تئوری ارزیابی نماید. درک روشن از هدف به اجرا کننده امکان می‌دهد اهداف را محسوس و به آن نایل شده و آن را در اجرا نشان دهد. این موارد همگی مسئله «تکنیک» را تسهیل می‌دهند.

از نظر من در سلسله مراتب اجرا «محتوا و زیبایی شناسانه» ارزش زیادی دارند، هر چند که ممکن است این اصطلاحات برای نوازنده‌ها و اجرا کنندگان خوشایند نباشد.

«شما از چیزی جز محتوا صحبت نمی‌کنید.» این را اگر دام به من می‌گویند. اگر من به جایی رسیدم که فواصل سوم، ششم و اکتاو را درست اجرا کنم، به سیرمائل و مشکلات تکنیکی و آریاسیوهای برامس روی تم پاگانی نی غلبه کردم، بدون این که مدتی را فراموش کرده باشم، این همان محتوا است! در حالی که اگر غلط‌های نت داشته باشم یا ریتم را رعایت نکنم، دیگر از محتوا خبری نخواهد بود.

- بله با همه این گفته‌ها موافقم! یک نویسنده خبره به همکارانش توصیه می‌کند: کامل کردن سبک، کامل کردن تفکر است. برای کسی که این حقیقت را قبول نداشته باشد هیچ ارزشی قائل نیستم.

این درکی درست از تکنیک یا به عبارت دیگر از سبک است. همیشه به شاگردانم یادآوری می‌کنم که تکنیک از لغت $\tau\epsilon\chi\nu\eta$ یونانی به معنی «هنر» گرفته شده است. کمال تکنیک، همان کمال هنری است که به تجلی محتوا کمک می‌کند و معنی ضمنی و ترجیحی جوهر موسیقی است.

برای بسیاری از نوازندگان، تکنیک تنها به معنی سرعت، چابکی، تساوی و درخشندگی است که گاهی هم باعث سسطحی و نازل بودن کار می‌شود. این وجوه تنها بخش‌هایی از تکنیک را ارائه می‌کند. به آن در مجموعه خود. آن گونه که یونانی‌ها آن را تصور می‌کردند، نه آن گونه که یک هنرمند واقعی باید آن را. تکنیک، یک آگاهی بسیار پیچیده و مشکل است.

چابکی، خلوص صدا، بلوغ ریتم، الزامات یک تفسیر [اجرا] هنرمندانه را تضمین نمی‌کند، بلکه این کار نیازمند الهام، کار، مهارت، ریتم و آگاهانه است. مشخص کردن این مورد که کجا کار تکنیک تمام و آغاز موسیقی از کجاست (حتی اگر لازم باشد یک عبارت صد بار تکرار شود)، برای اشخاص صاحب قریحه کاری دشوار است. در نظر این افراد هر دو منظر یک واحد کل را تشکیل می‌دهد. ضرب المثل قدیمی «تکرار همان یادگیری است» قانونی است هم برای کسانی که استعداد کمی دارند و هم آنهایی که استعداد بالایی دارند. بدون آنها کار را از یک نقطه شروع می‌کنند (واضح است که در انتها هر یک به نتایج متفاوتی می‌رسند) فراش لیست «گاهی بیش از صد بار یک عبارت مشکل را تکرار می‌کرد».

وقتی س. ریختر برای اولین بار سونات ۹ پروکوفیف که به وی اهدا شد را برایم نواخت، در قسمت سوم پاساژی وجود دارد که اجرای آن در نظرم پر مخاطره آمد. پاساژی پولی فونیک و بسیار سریع که حدود ۱۰ میزان طول می‌کشد، در مورد اجرای این پاساژ توانستم از ابراز تعجب خودداری کنم و به او گفتم: «واقعاً عالی بود».

ریختر در جوابم گفت: این عبارت را در حدود دو ساعت بدون آن که خسته شوم تمرین کردم. این شیوه خوبی در کار است که نتیجه‌ای عالی می‌دهد. نوازنده‌ها برای این تمرین می‌کنند که بهترین نتیجه را خیلی زود کسب کنند. در حالی که کسب بهترین نتیجه نیازمند زمان طولانی تری است.